

راهکارهای وحدت اسلامی در سیره

پیامبر اعظم (ص)

اسماعیل دانش

مرکز جهانی علوم اسلامی قم

راهکارهای وحدت اسلامی در سیره پیامبر اعظم (ص)

مقدمه

وحدت امت اسلامی از اصول و ارزش‌های مورد تأکید پیامبر اعظم (ص) بوده است؛ از منظر آن حضرت، عزت و اقتدار همه جانبه مسلمانان در پرتو وحدت و هم‌بستگی، در برابر دشمنان مشترک است. پیامبر اعظم (ص)، وحدت امت اسلامی را از راهبردهای بنیادین اقتدار امت اسلامی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها دانسته است و برای برپایی و تحقق بخشیدن آن، تلاش‌های فراوانی نموده‌اند به گونه‌ای که اقتدار و عزت جامعه نو پای اسلامی در عصر رسالت، برآیند وحدت و راه کارهای ارایه شده از سوی پیامبر خاتم (ص) بوده است. علاوه بر گفتارهای آن حضرت پیرامون ضرورت، اهمیت و فواید وحدت، از سیره سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیامبر (ص)، به دست می‌آید که آن حضرت بنیانگذار وحدت امت اسلامی در جامعه عربی آن زمان بوده است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

«پیامبر (ص) شکاف‌های اجتماعی را به وحدت، اصلاح و فاصله‌ها را به هم پیوند داد.»^۱

اقبال لاهوری نیز می‌گوید:

امتی گیتی گشایی آفرید	نقش نو، بر صفحه هستی کشید
بر چراغ مصطفی پروانه ئی	امتی از ماسوا بیگانه ئی
ذره‌اش شمع حریم آفتاب	امتی از گرمی حق سینه تاب
کعبه‌ها، بت خانه‌های چین شده	کائنات از طیف او رنگین شده
اکرم ^ﷺ او نزد حق اتقای او	مرسلان و انبیاء آبای او
حریت سرمایه آب و گلش ^۳	کل مؤمن، اخوه اندر دلش

پیامبر اعظم (ص) اسوه کامل در تمامی ابعاد زندگی می‌باشد، طبیعی است که الگو قرار دادن سیره آن حضرت، برای مسلمانان امروز نیز، کارآمدترین راه کارها را برای تحقق وحدت اسلامی، ارایه می‌نماید.

مقصود از وحدت

مراد از وحدت امت اسلامی این است که مسلمانان در کنار حفظ مذاهب خودشان بر محور مشترکات دینی مثل

❏ نهج البلاغه، خطبه 231، (فَلَمْ يَلَمْ اللَّهُ بِهِ الصَّدَقَ، وَرَتَقَ بِهِ الْفَتَقَ وَ ...).

❏ ان اکرمکم عند الله اتقیکم

❏ اقبال لاهوری، کلیات اشعار فارسی، ص 71.

توحید، قرآن، پیامبر اعظم(ص) و سنت و سیره نبوی در برابر خطراتی که اصل اسلام و جامعه مسلمانان را تهدید می‌کند، هم‌بستگی و همدلی داشته باشند و از اختلاف‌های گوناگون مذهبی، سیاسی، نژادی، زبانی و... که موجب وهن و سستی امت اسلامی می‌شود، دوری کنند.

پیامبر اعظم (ص) برای برپایی وحدت امت اسلامی راهبردهای گوناگونی داشته است که این مسئله درسیره آن حضرت به خوبی تجلّی یافته است که اینک به اختصار به بیان برخی آنها پرداخته می‌شود:

وحدت ملّی و دینی درسیره نبوی

وجود مسلمانان مدینه، فصل جدیدی در زندگی پیامبر (ص) گشود؛ حضرت با ورودش به مدینه، راه‌کارهای اساسی برای عزت و اقتدار مسلمانان در پیش گرفت، پیمان نامه‌ها و عقد قراردادهای اخوت و برادری بین گروه‌های مختلف آن زمان، به امضاء رسانیده و منعقد کرد که این مسئله می‌تواند از بارزترین راهبردهای وحدت اسلامی در جامعه آن زمان باشد.

راه‌کارهای سیاسی - فرهنگی وحدت

الف - پیمان نامه عمومی در مدینه

در آغاز ورود پیامبر به مدینه، میان مسلمانان و یهودیان، تفاهم نسبی وجود داشت؛ زیرا هر دو خداپرست و بت شکن بودند و جامعه یهودیان تصور می‌کردند که باتقویت اسلام از حملات مسیحیان روم، در امان خواهند ماند. وانگهی میان آنها و اوسیان و خزرجیان بستگی‌ها و پیمان‌های دیرینه نیز وجود داشت. روی این جهات، پیامبر(ص) قراردادی دایر بر وحدت مهاجر و انصار نوشت و یهودیان مدینه (اوس و خزرج) نیز آن را امضاء کردند، پیامبر (ص) آیین و ثروت آنها را طی شرایطی محترم شمرد که متن کامل آن را سیره نویسان ضبط کرده‌اند.^۴ از آنجا که این قرارداد یک سند تاریخی زنده است و حاکی است که چگونه پیامبر(ص) به آنان احترام می‌گذاشته و با این پیمان توانستند یک جبهه متحد در برابر دشمنان به وجود آورند، نقاط حساس این سند را ذکر می‌کنیم. البته در مفاد قرارداد به روشنی قید شده است که مسلمانان امت واحده‌ای جدا از مردم دیگر هستند (انهم امة واحدة من دون الناس) و ارتباط بین مسلمانان و کافران نیست و نباید بین مسلمانان دوری باشد.

1- مسلمانان در برابر ظلم و تجاوز با هم متحد خواهند بود.

2 — امضاء کنندگان پیمان، ملت واحد را تشکیل می‌دهند، مهاجران قریش به رسم سابق خویش قبل از اسلام در پرداختن خونبها باقی هستند، اگر فردی از آنها کسی را کشت، یا فردی از آنها اسیر گردید، باید به کمک هم خون‌بهای او را بپردازند و اسیر خود را بخرند.

3 — هیچ مؤمنی بدون اشاره سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله صلح نمی کند و صلح جز برای همگان اجرا نخواهد شد.

4 — تمامی گروه ها (که به جنگ مشغول اند) به ترتیب وارد جنگ خواهند شد و جنگیدن به یک گروه (دو مرتبه پشت سر هم) تحمیل نخواهد شد.

5 — «ذمه الله» نسبت به همه افراد یکسان است.

6 — اگر اختلافی بین مسلمین بروز کرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود.

7 — مسلمین، فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است، رها نخواهند ساخت، بلکه او را کمک می کنند.

8 — هیچ فرد با ایمانی حق ندارد، مؤمنی را برای خاطر کشتن کافری بکشد و هرگز نباید کافری را بر ضد مسلمانی یاری کند.

9 — پیمان و عهد خدا با تمام مسلمانان یکی است، از این نظر پست ترین آنها می تواند تعهداتی در برابر کفار به ذمه بگیرد.

10 — مسلمانان دوستان و پشتیبان یکدیگرند.

11 — هر فردی از یهودیان از ما پیروی کند و اسلام بیاورد، از کمک و یاری ما برخوردار خواهد بود و تفاوتی میان او و مسلمان دیگر نخواهد بود و کسی حق ندارد او را ستم کند و یا دیگری را بر ضد او تحریک کرده و دشمن او را یاری نماید.

12 — در عقد پیمان صلح باید مسلمانان متحد شوند و هیچ مسلمانی بدون جلب نظر مسلمان دیگر جز بر عدالت و مساوات نمی تواند صلح برقرار کند.

در بخش دیگری از این پیمان نامه تاریخی که حاکی از روح وحدت طلبی میان مسلمانان است، چنین آمده است:

1— هیچ کس حق ندارد بدون اجازه «محمد» از این اتحادیه بیرون برود.

2— خون هر مجروحی (تا چه رسد به مقتول) از این افراد، محترم است و هر کس خون کسی را بریزد، قصاص دامنگیر او شده و سرانجام خود و اهل بیت خود را هلاک کرده است مگر اینکه قاتل ستمدیده باشد.

3— در جنگ هایی که یهودیان و مسلمانان دوشادوش هم می جنگند، هزینه هر کدام برعهده خود آنها است و هر کس که با متحدان این پیمان بجنگد باید متحدانه با او جنگید.

4— مناسبات هم پیمان بر اساس نیکی و خوبی است و باید از بدی دور باشند.

5— هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم کند، در چنین صورت باید ستمدیده را یاری کرد.

6 — داخل «یثرب» برای امضاء کنندگان این پیمان منطقه حرم اعلام می گردد.

7— جان همسایگان کسانی که پناه داده شده اند، بسان جان مااست، نباید به او ضرر رسانید.

9 — مسلمانان و یهودیان امت واحده اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد و هر یک دین خود را دارند.

باتوجه به مفاد پیمان نامه به دست می آید که پیامبر (ص) برای ایجاد احساسات مشترک ملی و دینی، تلاش فراوان

نموده‌اند و به شهادت تاریخ موفقیت‌های قابل توجهی نیز به دست آورده است که یکی از راه‌کارهای اساسی در جهت تحقق وحدت امت اسلامی در آن عصر و زمان مطرح بوده است و امروزه نیز تحریک احساسات مشترک ملی و دینی نقش بسزایی در بسیج عمومی توده‌ها و ایجاد هم‌بستگی و همدلی دارد.

ب - پیمان نامه برادری در مدینه

از آن جایی که مهاجر و انصار پرورش یافته دو محیط مختلف بودند، در طرز تفکر و معاشرت، فاصله زیادی با هم داشتند؛ اوسیان و خزرجیان که جمعیت انصار را تشکیل می‌دادند، صدویست سال باهم جنگ کرده و دشمنان خونی همدیگر بودند و با این اختلافات ادامه حیات دینی و سیاسی مسلمانان به هیچ وجه امکان پذیر نبود، ولی پیامبر(ص) تمام این مشکلات را با یاری خداوند، خردمندانه حل نمود، حضرت از طرف خدا مأمور شد که مهاجر و انصار را با یکدیگر برادر کنند؛ روزی در یک انجمن عمومی رو به هواداران خود کرده و فرمود: «تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ اخْوِينَ اخْوِينَ؛ دو تا دو تا با یکدیگر برادردینی شوید.»^۷ طبق بیان سیره ابن اسحاق، پیامبر(ص) میان یارانش (از مهاجرین و انصار) پیمان برادری می‌بندد تا دو تن دو تن در راه خدا برادر می‌شوند. آن‌گاه دست علی بن ابیطالب (ع) را گرفته، می‌گوید: این برادر من است. بدینسان رسول خدا(ص) که سرور پیامبران و امام پرهیزکاران و فرستاده پروردگار عالمیان است و در میان بندگان خدا هم‌تا و همانندی ندارد، با علی بن ابیطالب (ع) برادر می‌شود. حمزه پسر عبدالمطلب که شیر خدا و شیر پیامبر(ص) و عموی او است، با زید بن حارثه که آزاد شده پیامبر(ص) است، برادر می‌شود چنان‌که حمزه در جنگ احد وقتی کارزار آغاز می‌کند، وصیت می‌کند که اگر کشته شد، زید بن حارثه میراث‌دار وی خواهد بود. جعفر بن ابیطالب ملقب به ذوالجناحین ((پرنده بهشت)) با معاذ بن جبل که از قبیله بنی سلمه است، برادر می‌شود. ابوبکر پسر ابی قحافه با خارجه بن زهیر از قبیله بلحارث بن خزرج برادر می‌شود. عمر بن خطاب با عتب بن مالک از قبیله بنی سالم بن عوف برادر می‌شود. ابو عبیده جراح که عامر بن عبدالله نام دارد با سعد بن معاذ از قبیله عبدالاشهل برادر می‌شود. زبیر بن عوام با سلمه بن سلامه از قبیله بلحارث بن خزرج یا به روایتی با عبدالله بن مسعود هم پیمان بنی زهره برادر می‌شود. طلحه بن عبیدالله با کعب بن مالک از قبیله سلمه، سعد بن زید بن عمر با ابی بن کعب از قبیله بنی النجار، مصعب بن عمیر بن هاشم با ابو ایوب انصاری (خالد بن زید) از قبیله بنی النجار، ابو حذیفه پسر عتب بن ربیع با عباد بن بشر از قبیله عبد الاشهل، عمار بن یاسر (هم پیمان بنی مخزوم) با حذیفه بن الیمان از قبیله عبدعیس و هم پیمان قبیله عبدالاشهل، ابوذر(که همان بُریر بن جناده یا جُنْدَب بن جُناده غفاری باشد) با منذر بن عمرو از قبیله بنی ساعده، حاطب بن ابی بلتعنه(هم پیمان بنی اسد) با عَویْم بن ساعده از قبیله عمرو بن عوف، سلمان فارسی با ابودرداء(عویم بن ثعلبه) از قبیله بلحارث بن خزرج، بلال (آزاد شده ابوبکر و مؤذن پیامبر(ص)) با ابورؤیحه عبدالله بن عبد الرحمن خثعمی برادر می‌شوند.^۸

این پیمان برای یاران پیامبر چنان عزیز است که بعدها وقتی عمر بن خطاب دیوان حقوق مجاهدان را تدوین می‌کند

۷- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۲۳.

۸- سیره ابن اسحاق، ج ۲، ص ۱۵۳- ۱۵۰.

و بلال می‌خواهد به شام رفته و جهاد کند، عمر از او می‌پرسد حقوقت را ای بلال به که می‌سپاری؟ می‌گوید: به ابو رویحه، من هرگز از او جدا نخواهم گشت! به احترام و به سپاس آن پیمان برادری که رسول خدا میان آن دویسته است...^۷

برخی اندیشمندان می‌گویند: «کار این مساوات و برادری بدانجا کشید که هر مسلمانی برادر مسلمان خود را برخواستن مقدم می‌داشت. چنانکه نوشته‌اند، روز تقسیم غنیمت‌های جنگی بنی‌نضیر، پیامبر (ص) به انصار گفت اگر مایل باشید مهاجران را در غنیمت شریک کنید و اگر نه همه از آن شما باشد. انصار گفتند ما نه تنها غنیمت‌ها را یکجا به برادران مهاجر خود می‌بخشیم بلکه آنان را در مال‌ها و خانه‌های خود شریک می‌کنیم.^۸

پیامبر با طرح اخوت و برادری توانست وحدت اسلامی را تحقق بخشد و مسلمانان را از خطرات تهدیدکننده، حفظ نمایند که سیصد نفر از مهاجر و انصار را بایکدیگر برادر نمود و رو به مسلمانان می‌کرد و می‌گفت: فلانی! تو برادر فلانی هستی.

سلیمان قندوزی می‌گوید: امام علی بعد از همه با پیامبر عقد اخوت بست. آن حضرت به پیامبر عرض می‌کند که اصحاب خود را بایکدیگر برادر کردید؛ ولی عقد اخوت میان من و دیگری برقرار نکردید. پیامبر در جواب فرمود: به‌خدایی (که مرا برای هدایت مردم مبعوث فرموده) سوگند: به این علت کار برادری تو را عقب انداختم که می‌خواستم در پایان با تو برادر شوم؛ تو نسبت به من مانند هارونی نسبت به موسی، جز این که پس از من پیامبری نیست. تو برادر و وارث من هستی.^۹

ج - ایجاد وحدت دینی

پیامبر اعظم (ص) برای تحقق بخشیدن وحدت امت اسلامی در سخنانش پس از فتح مکه در مسجد الحرام می‌گوید: «المسلم اخو مسلم و المسلمون هم ید واحدة علی من سواهم تتکافوا دمائهم یسعی بذنبهم ادناهم».^{۱۰} امام صادق (ع) نیز این قضیه را شرح داده است: «مسلمان برادر مسلمان است، به اوستم نمی‌کند و او را خوار نمی‌سازد و به او خیانت نمی‌کند، برعهده مسلمانان است که نسبت به پیوند بایکدیگر و یاری رساندن در شفقت و مواسات با نیازمندان و مهربانی نسبت به هم بکوشند تا همان‌گونه که خدای عزوجل فرمانتان داده است: «میان خود مهربان‌اند»، نسبت به هم مهربان باشید و نسبت به گرفتاری ایشان که از چشم شما پنهان مانده، اهتمام داشته باشید؛ چنان‌که گروه انصار در دوران رسول خدا (ص) این چنین بودند».^{۱۱}

پیامبر (ص) می‌فرماید: «دست خدا با جماعت است».^{۱۲} «دست خدا با جماعت است و شیطان هنگامی با کسی است

۱۰- همان، ص 153.

۱۱- سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص 67.

۱۲- سلیمان قندوزی، ینابیع المودة، ج 1، ص 55.

۱۳- محمد تقی هندی، کنز العمال، ج 1، ص 149.

۱۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 174، ح 15.

۱۵- سنن ترمذی، ج 4، ص 466، ح 2166.

که با جماعت به مخالفت پردازد.^{۱۳}

چنان که ملاحظه می‌شود ایجاد حس مشترک دینی بین مسلمانان در کلام زیبای آن حضرت کاملاً مشهود است. البته رمز وحدت در روح انسان با ایمان و دیندار وجود دارد، به گفته مولوی:

جان گرگان و سگان از هم جد است متحد جان‌های مردان خداست

پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «بر شما باد به جماعت؛ زیرا دست خدا با جماعت است و شیطان با یک تن همراه واز دو تن دورتر است.»^{۱۴} بنابراین پیامبر، مسلمانان را برادر همدیگر می‌داند و باید مثل دست واحد محکم و استوار از جامعه توحیدی، دفاع نمایند.

د - نفی قوم‌گرایی

یکی از راه‌کارهای پیامبر اعظم (ص) در جهت تحقق وحدت امت اسلامی نفی نژادپرستی، قوم‌گرایی و تبعیض‌های ناروا بود؛ زیرا با ظهور اسلام در میان اعراب مسئله نژادپرستی و تفاخر به قبیله، فراوان وجود داشت. اسلام با تعصبات قومی و نژادی مبارزه کرد؛ قرآن کریم می‌فرماید: «يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوباً وقبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم.»^{۱۵}

پیامبر اعظم (ص) در جهت برقراری وحدت اسلامی، زید بن حارثه را فرمانده سپاه اسلام، بلال حبشی را مؤذن ویژه قرار می‌دهد واز سلمان فارسی ایرانی تجلیل می‌کند و به او مقام و منزلت والا می‌بخشد تا به این ترتیب هم با تبعیض‌های موجود به مبارزه برخیزد و هم بتدریج ارزش‌های الهی را ملاک منصب‌ها و منزلت‌های اجتماعی معرفی نماید.

پیامبر (ص) آشکارا اعلام می‌کند که آن غلام حبشی و این سید قریشی (هر دو) نزد من یکسان هستند و بدین سان آن حضرت منادی برحق مساوات اسلامی و بنیان‌گذار وحدت امت اسلامی است؛ زیرا: «ايها الناس ان ربكم واحد وان اباكم واحد، كُلُّكُمْ لَادَمٍ وَاَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ (اِنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَقَاكُمْ) وَلَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَيَّ عَجْمِي فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى.»^{۱۶}

پیامبر اکرم (ص) در روایتی، افتخار به اقوام گذشته را یک چیز بی‌ارزش می‌خواند و کسانی را که به چنین کارهایی خود را مشغول می‌کنند به (جعل) تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «آنانکه به قومیت خود تفاخر می‌کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه‌های افتخار، جز ذغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از جعل‌هایی که کثافت را با بینی خود حمل می‌کنند، پست‌تر خواهند بود.»^{۱۷}

در جنگ احد، سلمان فارسی پس از این که ضربت را به یکی از افراد دشمن فرود آورد، از روی غرور گفت: «

📖- کنز العمال، ج 1، ص 206، ح 1031.

📖- جلال الدین السیوطی، الدر المنثور، ج 5، ص 66.

📖- حجرات، 13.

📖- ابو محمد حرانی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص 56.

📖- سنن ابی داود، ج 2، ص 642. (لیدعن رجال فخرهم باقوام، انما هم فحم من فحم جهنم، او لیكونن اهون علی الله من الجعلان التي تدفع بانفها التین).

خذه‌ها وانا الغلام الفارسی.» یعنی این ضربت را از من تحویل بگیر که من یک جوان فارسی هستم، پیامبر(ص) پی برد که این سخن، تعصبات دیگران را برخواهد انگیزد، فوراً به او گفت که چرا نگفتی منم جوان انصاری.^{۱۸} یعنی چرا به چیزی که به آیین و مسلک مربوط است افتخار نکردی و مسئله قومی و نژادی را مطرح نموده‌ای! پیامبر(ص) در جای دیگر می‌فرماید: «عربیت، پدر کسی بشمار نمی‌رود فقط زبان گویایی است، آن که عملش نتواند او را به جایی برساند، حسب و نسبش نیز او را به جایی نخواهد رساند.»

روزی سلمان فارسی در مسجد پیامبر (ص) نشسته بود، عده‌ای از بزرگان صحابه نیز حاضر بودند، سخن از اصل و نسب به میان آمد، هرکس درباره اصل و نسب خود چیزی می‌گفت و آن را بالا می‌برد، نوبت به سلمان رسید، به او گفتند تو از اصل و نسب خودت بگو، این مرد فرزانه تعلیم یافته و تربیت شده‌ی اسلامی به جای این که از اصل و نسب و افتخارات نژادی سخن به میان آورد، گفت: «من نامم سلمان است و فرزند یکی از بندگان خدا هستم، گمراه بودم، خداوند به وسیله محمد(ص) مرا راهنمایی کرد، فقیر بودم خداوند به وسیله محمد(ص) مرا بی‌نیاز کرد، برده بودم خداوند به وسیله محمد(ص) مرا آزاد کرد؛ این است اصل و نسب من. در این زمان پیامبر (ص) وارد شد و سلمان گزارش جریان را به عرض آن حضرت رساند. پیامبر(ص) رو کرد به آن جماعت که همه از قریش بودند و فرمود: «ای گروه قریش! خون یعنی چه؟ نژاد یعنی چه؟ نسب افتخار آمیز هر کس دین او است. مردانگی هرکس عبارت است از خلق و خوی و شخصیت و کار بیشتر او، اصل و ریشه هر کس عبارت است از عقل و فهم و ادراک او، چه ریشه و اصل نژادی بالاتر از عقل است؟! یعنی به جای افتخار به استخوان‌های پوسیده، به دین، اخلاق، عقل، فهم و ادراک خود افتخار کنید. تأکیدات پیامبر (ص) درباره بی‌اساس بودن تعصبات قومی و نژادی، اثر عمیقی در قلوب مسلمانان بالاخص در مسلمانان غیر عرب گذاشت و هم‌بستگی و وحدت در میان مسلمانان ایجاد نمود. به همین دلیل مسلمانان اعم از عرب و غیر عرب، اسلام را از خود می‌دانستند و به همین جهت تعصبات نژادی نتوانست مسلمانان غیر عرب را به اسلام بدبین کند.^{۱۹}

بنابراین پیامبر اعظم(ص) با نفی تعصبات نژادی و قومی وحدت امت اسلامی را تحقق بخشید، ارزش‌های دینی و الهی را احیاء کرد. اقبال لاهوری نیز سیره آن حضرت را در جهت تحقق وحدت امت اسلامی مورد تأکید قرار داده و از راهبردهای بنیادین وحدت اسلامی به حساب آورده است و چنین می‌گوید:

نیست از روم و عرب پیوند ما نیست پابند نسب پیوند ما
دل به محبوب حجازی  بسته‌ایم زین جهت با یکدگر پیوسته‌ایم

 همان، ص 625.

 مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، 1366، ص 76.

 محبوب حجازی، مراد سر آمد مجبان عالم، پیغمبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله است.

رشته ما یک تولایش بس است	چشم ما را کیف صهبایش بس است
مستی او، تا به خون ما دوید	کهنه را آتش زد و نوآفرید
عشق او سرمایه جمعیت است	همچو خون اندر عروق ملت است
عشق در جان و نسب در پیکر است	رشته عشق از نسب محکم تر است
عشق ورزی از نسب باید گذشت	هم ز ایران و عرب باید گذشت
امت او، مثل او نور حق است	هستی ما از وجودش مشتق است. ^{۲۱}

هـ - بهره‌گیری فرهنگی از ظرفیت های موجود

پیامبر خاتم (ص) در جهت تحقق وحدت اسلامی از ظرفیت موجود و مقتضیات جامعه آن زمان بهره‌برداری مناسب می‌کرده است که در این باره نقش کعبه و کیفیت استفاده پیامبر از آن به عنوان یکی از ابزارهای ارزشی وحدت، شایان توجه و دقت است؛ زیرا: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^{۲۲}

پیامبر (ص) از موقعیت مکانی و زمانی لیام حج در مقطعی که تمام مردم جزیره العرب به آن جا می‌آمدند، بهره می‌برد تا دعوت توحیدی خود را به مهتران و بزرگان قبایل ارایه دهد. در متون تاریخی نام قبیله‌های «بنی حنیفه»، «کنده»، «بنی صعصعه»، «کلب» و دیگران را در فراخوان حضرت می‌بینیم و حتی گرایش مردم یثرب به اسلام هم از طریق همین تدبیر در استفاده از موقعیت خانه خدا و موسم حج بوده است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ»^{۲۳} میزان کارآمدی این عمل در تمایل و کشش توده‌ها به سوی پیامبر (ص) به قدری بود که کفار و مشرکان را کاملاً در موضع انفعالی قرار می‌داد. آن گونه که پیش از آغاز مراسم برای جلوگیری از شعاع نفوذ پیام نبی (ص) به مشورت می‌پرداختند تا مناسب‌ترین شیوه‌های تبلیغی و روانی را برای تغییر اذهان مخاطبان و مردم به کار گیرند. شعارهای روانی — سیاسی آنها این بود: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ»^{۲۴}

بنابراین پیامبر (ص) با استفاده از ظرفیت موجود جامعه آن زمان و نقش کعبه مکرمه برای برپایی وحدت اسلامی استفاده می‌کرد که یکی از راه کارهای بنیادین وحدت امت اسلامی بوده است.

راه کارهای اجتماعی و فردی وحدت

الف - حمایت از محرومان

در راستای نفی تعصبات قومی، استراتژی حمایت از محرومان و بیچارگان نیز وجود دارد. این گروه که عمدتاً بردگانی

۲۱- کلیات اقبال، همان، ص 110.

۲۲- آل عمران، 96.

۲۳- مائده، 97.

۲۴- حجر، 6.

از مردان و زنان‌لند، طبق قوانین حاکم، زیر پوشش حمایتی هیچ قوم و قبیله‌ای نبودند و لذا از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم می‌شدند و به دلیل وضعیت موجود حاکم سیاسی دوران جاهلی و نیز ناتوانی‌های گوناگون این افراد، امکان پی ریزی جامعه‌ای مستقل فراهم نبود.

رسول اکرم (ص) با عقل رشید و وجدان سلیم دریافته بود که افراد بشر در اصل طینت و مواهب فطری، نظیر یکدیگرند و همه آنان دارای روح و اراده و عواطف و احساسات انسانی هستند و تفاوت در نژاد و رنگ و زبان و زاد و بوم و... منشاء تبعیض در حقوق نمی‌تواند باشد، پس چرا بعضی از افراد بشر، بعضی دیگر را به بردگی بگیرند و علاوه بر سلب آزادی، آنها را از تمام حقوق بشری نیز محروم بدارند؟

او نیک می‌دانست که زدودن یک فکر هزاران ساله که در دماغ هر دو دسته (اربابان و بردگان) رسوخ کرده است، جز از راه ایجاد تحول در طرز فکر جامعه میسر نمی‌گردد و با وضع یک ماده قانونی بدون ضمانت اجرا از داخل نفس مالک و مملوک، یک نظام طبقاتی ریشه دار را نمی‌توان از میان برداشت، بردگان نیز به حکم عادت و مرور زمان نیروی اراده‌شان از کار افتاده و قدرت استقلال و تصرف را از دست داده بودند و آزادی و آزاد زیستن در وجودشان کاملاً تخدیر شده و باورش‌شان شده بود که حق حیاتشان در همین وضع مرگ آساست. پس باید این شکل اجتماعی را بتدریج و با پیشرفت رشد جامعه و اتخاذ تدابیر حکیمانه حل نمود. ابتدا به هر مناسبتی به گوش هر دو طبقه فرامی‌خواند که: «اربابان و بردگان برادر یکدیگراند و همه آنها از یک نژاد هستند و منشاء اصلی همگی از همین خاک است و سفید پوستان را برسیاه پوستان هیچ گونه مزیت طبیعی نیست و بدترین مردم نزد خدا همانا آدم فروشانند. بردگان برادران شما نیستند که زیر دست شما واقع شده‌اند و دارای حقوق هستند. شما باید از هر نوع غذا که می‌خورید، به آنها بخورانید و از هر آنچه که به تن خودتان می‌پوشید به آنها ببوشانید و به کار طاقت فرسا و ادارشان نکنید و در کارها خودتان هم به آنها کمک نمایید...»^{۲۵} و نیز می‌فرماید: «هرگاه آنها را صدا می‌زنید، ادب را رعایت کنید و نگوئید (بنده من) یا (کنیز من) مردان همه شما بندگان خدایند و همه زنان کنیزان خدایند و مالک همگی اوست، بلکه بگوئید (پسرک من) یا (جوانک من)».^{۲۶}

پیامبر، زید بن حارثه غلام خود را که همسرش خدیجه به او بخشیده بود، آزاد نمود و برای اینکه حقارت و زبونی را از فکر او بیرون کند، او را پسر خوانده خویش معرفی کرد و همین که زید به سن رشد و جوانی رسید به منظور لغو برتری نژادی که جامعه آن روزاهمیت می‌داد، دختر عمه خود زینب را به همسری او در آورد.^{۲۷}

در چنین شرایط بحرانی، مبارزه پیامبر اکرم (ص) با تبعیض‌ها و قوم‌گرایی‌ها و از سویی، حملیت از محرومان، سبب جذب این گروه به اسلام و پیامبر (ص) شد و بدین ترتیب گروه کثیری بر محور رسول خدا (ص) و وحدت اجتماعی و سیاسی پدید آوردند. در واقع، محتوای فکری دعوت حضرت در اعلام اصالت تقوا و کرامت انسانی و نیز مقتضای عملکرد او، نقش یک ابزار پویا بر ای ایجاد وحدت اسلامی بوده است.

۱۱- اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج 3، ص 149.

۱۲- صحیح مسلم، ج 7، ص 47.

۱۳- الاصابه، ج 1، ص 545.

چنین اعلام حمایت وجانبداری از محرومان [باعث شد که] بتدریج قلمرو آن گسترش یافت به گونه‌ای که توانست نیروهای گریزان و ستم‌دیده را به مرکز واحد هدایت نماید و وحدت امت اسلامی را نهاده سازد.

ب - تحمل ومدارا

جریان‌های تفرقه و اختلاف در مدینه همواره آشکارا و پنهان در پی فرصت بودند که بتوانند آب را گل آلود نمایند و با ایجاد اختلاف به مقصود باطل‌شان نایل گردند، پیامبر اکرم (ص) که از درایت سیاسی و خردمندی کامل برخوردار بودند، با تحمل و مدارا وحدت امت اسلامی را حفظ و جلوی بروز هرگونه اختلاف و نفاق را گرفتند. برخورد پیامبر با منافقان که جبهه داخلی علیه آن حضرت را تشکیل داده بودند، [این بود که] برای حفظ وحدت جامعه، بآنان با تحمل و مدارا برخورد می‌نمود. از این رو آن حضرت بنابر مصالح جهان اسلام و امت اسلامی در برخورد با عبدالله ابن ابی رئیس منافقان مدینه که خیانت‌هایش در مراحل گوناگون برای پیامبر (ص) و امت اسلامی آشکار شده بود، اقدامی نکرد. قرآن کریم با اشاره به جریان غزوه «بنی المصطلق» از زبان عبدالله بن ابی، می‌فرماید: «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ».

مسلمانان و صحابه پیامبر (ص) هنگامی که از توطئه عبد الله بن ابی خبردار شدند، از پیامبر (ص) اجازه خواستند تا او را به قتل برسانند، پیامبر (ص) برای حفظ وحدت امت اسلامی آن‌ها را از این کار بر حذر داشت ^{۸۶} بلکه فرمود تا هنگامی که زنده است با او مانند یک دوست و رفیق رفتار می‌کنیم.^{۳۰}

مربع منافقی است که در هنگامی که از مزرعه‌اش در جنگ احد، به پیامبر اعظم (ص) جسارت نمود، یاران و اصحاب رسول خدا (ص) می‌خواستند وی را بکشند ولی آن حضرت با کمال لطف و مدارا از وی درگذشت و فرمود: «با این مرد لجوج کوردل کاری نداشته باشید»^{۳۱}

پیامبر (ص) نه تنها در برابر منافقان تحمل و مدارا داشت بلکه در برابر مخالفان مثل یهود نیز با مدارا رفتار می‌نمود به گونه‌ای که رفتار شایسته آن حضرت موجب جذب آنان به اسلام می‌شده است.

بنابراین پیامبر اکرم با تحمل و مدارا و با چشم پوشی و گذشت از امور و مسایل شخصی به‌خاطر مصالح امت اسلامی، وحدت جامعه اسلامی را بنیان نهاد که سرانجام آن حضرت توانستند اقتدار و عزت برای مسلمانان عصرش به ارمغان بیاورد.

عبدالغفور آخوندنعمانی ترکمن، روحانی و عالم بزرگ اهل سنت پس از تبیین وضعیت مسلمانان صدر اسلام و وضعیت اسفبار کنونی مسلمانان، حالات آنها را در شعری چنین شرح می‌دهد:

ما مسلمانان چه نیکو روزگاری داشتیم
چون گل و بلبل انیس و مونس و دمساز هم

۸۶- منافقین، 8.

۸۷- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 19، ص 108.

۸۸- سیره ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص 198.

۸۹- سیره ابن هشام، ج 2، ص 65.

سوزن و مژگان مهیا تا که بیرون آوریم	در گلستان وفا، خوش برگ وباری داشتیم
پرچم دین مبین، بردیم تا دیوارچین	گر به پا از گردش ایام، خاری داشتیم
امپراطوران عالم، مرتعش از بیم ما	چون که عزم آهنین واستواری داشتیم
این چنین بودیم تا بودیم با هم متحد	چون رشادت‌های بی حد وشماری داشتیم
این چنین بودیم تا بودیم با هم راستگوی	از نفاق واز تفرق تا فراری داشتیم
در میان ما در آمد، عاقبت دست نفاق	از دروغ و از تصنع ننگ وعاری داشتیم
	رفت از آن برباد، هر عزو وقاری داشتیم.

راه کارهای وحدت امت اسلامی در عصر حاضر

وحدت جوهره قوام، پایداری و حیات هستی است و پیامبران، سفیران وحدت اسلامی می‌باشند. به گفته اقبال لاهوری:

برگ و ساز کائنات از وحدت است اندر این عالم حیات از وحدت است.

پیامبر اعظم (ص) پیامبر وحدت و رسول رحمت است «وجعلني رسول الرحمة ورسول الملاحم»^{۳۲} ندای وحدت طلبانه او، فریاد وحدت طلبانه تمامی انبیای الهی است و این آهنگ شیرین در حلقوم مبارک او به کمال نهایی خود می‌رسد. به گفته مولوی:

نام احمد نام جمله انبیاء است چونکه صد آمد نود هم پیش ما است.

بدون تردید امت اسلامی به عنوان امت محمد (ص)، گسترش دعوت او را تا توسعه امت واحده الهی در پهنه گیتی به دوش دارند؛ زیرا «کنتم خیر امة اخرجت للناس...»^{۳۳} و هملنانند که برگزیدگان خدایند و غیر آنان، زیان کاران. زیرا: «ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین»^{۳۴}

باتوجه به راه کارهای ارایه شده در سیره نبوی برای رسیدن به وحدت امت اسلامی در زمانه و عصر کنونی، راه‌های عملی ذیل نیز پیشنهاد می‌شود:

1- مراجعه به قرآن، سنت و سیره نبوی و عترت رسول خدا (ص) که همواره به مسلمانان وحدت و هم‌بستگی را تاکید کرده‌اند.

2- تحمل نظرات مخالف و مدارا با پیروان مذاهب [دیگر].

3- دوری از تعصبات خشک گوناگون ملی، قومی و نژادی.

4- آشنایی شیعه و سنی از آراء و نظریات علمی یکدیگر با مطالعه کتاب‌های مربوط به یکدیگر.

5- تعامل اندیشمندان فرقه‌های گوناگون اسلامی و گفت‌وگوهای علمی جهت رفع سوء تفاهم‌ها.

■ شیخ صدوق، معنای الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت دارالتعارف للمطبوعات، 1399ق، ص 51.

■ آل عمران، 110.

■ آل عمران، 85.

- 6- آشنایی با توطئه‌های دشمن برای ایجاد اختلاف.
- 7- احترام به مقدسات یکدیگر.
- 8- دوری از تهمت و افترا نسبت به یکدیگر.
- 9- کنترل افراد تندرو که موجب نفاق و تفرقه می‌گردند.
- 10- تقویت نقطه‌های مشترک.
- 11- ایجاد مراکز آموزشی - پژوهشی مشترک، جهت آشنایی با آراء یکدیگر.
- 12- ایجاد رسانه‌های پیام رسانی مشترک، برای تقویت روح وحدت طلبی، پیام رسانی سالم و...

نتیجه

وحدت امت اسلامی، از اصول مورد تأکید پیامبر اعظم (ص) بوده است. از منظر آن حضرت اقتدار مسلمانان در پرتو وحدت می‌باشد. وحدت امت اسلامی از راهبردهای بنیادین و اساسی اقتدار امت اسلامی در تمام اعصار و قرون است؛ پیامبرخاتم (ص) برای تحقق بخشیدن وحدت اسلامی در میان جامعه آن زمان، تلاش‌های فراوان نموده‌اند، به گونه‌ای که اقتدار و عزت نوپای جامعه اسلامی عصر رسالت، برآیند وحدت و راه کارهای ارایه شده از سوی پیامبر اعظم (ص) بوده است.

از آن جایی که پیامبر اعظم (ص) اسوه کامل زندگی است، الگو قرار دادن سیره آن حضرت، کارآمدترین راه کارها را برای مسلمانان امروز در جهت تحقق وحدت اسلامی ارایه می‌نماید.

پیامبر (ص) در آغاز ورودش به مدینه، قراردادی دایر بر وحدت مهاجر و انصار نوشت و اوس و خزرج نیز آن را امضاء کردند؛ پیامبر (ص) آیین و ثروت آنها را طی شرایطی محترم شمرد. البته اوسیان و خزرجیان صدویست سال با هم جنگ کرده و دشمنان خونی همدیگر بودند، پیامبر (ص) تمام این مشکلات را خردمندانه حل نمود و روزی در یک انجمن عمومی میان آنان پیمان برادری دینی بست و دو تن آنها را در راه خدا برادر دینی ساخت، به گونه‌ای که کار برادری بدانجا کشید که هر مسلمان برادر مسلمان خود را بر خویشتن مقدم می‌داشت.

پیامبر اعظم (ص) برای تحقق بخشیدن وحدت امت اسلامی، پس از فتح مکه در مسجد الحرام، رسماً دستور دینی صادر کرد و اعلان نمود که مسلمانان برادر همدیگرند و مانند ید و احدند. با نفی قوم گرایی و ملی گرایی در جهت تحقق وحدت اسلامی کوشش فراوان نمودند و از موقعیت مکانی و زمانی ایام حج و مکه مکرمه، برای تحقق وحدت اسلامی، بهره برداری شایسته نمودند.

استراتژی حمایت از محرومان و بیچارگان نیز از راه کارهای اساسی پیامبر (ص) در جهت تحقق وحدت اسلامی بوده است که با اعلام حمایت از قشر محروم و ستمدیده، آنان را به مرکز واحدی هدایت نمودند تا وحدت اسلامی را تحقق بخشد. تحمل و مدارای حضرت نیز در جهت وحدت اسلامی بوده است.

فهرست منابع:

- 1- قرآن کریم.
- 2- نهج البلاغه.
- 3- لاهوری، *السيرۃ النبویة، دارالوفاء، بیروت، بی تا.*
- 4- ابن هشام، *السيرۃ النبویة، دارالوفاء، بیروت، بی تا.*
- 5- ابن اسحاق، *سیرۃ ابن اسحاق، افست، مؤسسه اسماعیلیان، 1368.*
- 6- شهیدی، سید جعفر، *تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ 1378، 24.*
- 7- قندوزی، سلیمان، *یتابع الموده، بیروت، دارالفکر.*
- 8- هندی، متقی، *کنز العمال، مؤسسة الرسالة، 1405 ق.*
- 9- کلینی، محمد ابن یعقوب، *الکافی، دارالکتب الاسلامیه، 1388 ق.*
- 10- ترمذی، ابی عیسی محمد ابن عیسی بن سوره، سنن، *بیروت، دارالکتب العلمیه، 1408 ق.*
- 11- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور، قم، 1404 ق.*
- 12- حرّانی، ابو محمد، *تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، 1382.*
- 13- السجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داود، *بیروت، دارالفکر.*
- 14- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، 1366.*
- 15- بخاری، اسماعیل، *صحیح البخاری، بیروت، دارالعلم، 1407.*
- 16- النیشابوری، مسلم بن الحجاج القشیری، *صحیح المسلم، بیروت، دارالفکر لطباعة والنشر، بی تا.*
- 17- عسقلانی، ابن حجر، *الاصابة فی تمیز الصحابة.*
- 18- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.*
- 19- *الاصابة فی تمیز الصحابة، 1399.*
- 20- مولوی، جلال الدین، *مثنوی معنوی، شرکت انتشارات علمی وفرهنگی، 376 ش.*